

نقش توسل بر تغییر رفتارهای ناپه‌نچار فردی و اجتماعی

عباس جوانشیر^۱

حبیب‌الله تاجیک^۲

چکیده

تغییر رفتار یکی از شاخه‌های کاربردی علم روان‌شناسی است. از طرفی تأثیر رفتارها و عقاید مذهبی بر تغییر رفتار انسان، یکی از مباحث مهم پژوهش‌های روان‌شناسی - اسلامی است. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) بر عوامل مؤثر در رفتارهای ناپه‌نچار فردی و اجتماعی است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. به این صورت که به توصیف، تجزیه و تحلیل عوامل شناختی، رفتاری و هیجانی رفتارهای ناپه‌نچار پرداخته شده و تأثیر توسل بر آنها بیان شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) به عنوان یک رفتار دینی، نه تنها پشتوانه‌ای از شناخت‌ها و هیجانات دارد، بلکه بر آنها تأثیرگذار نیز است. توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌تواند بر عوامل شناختی، رفتاری و هیجانی رفتار ناپه‌نچار مؤثر باشد. عوامل شناختی، شامل شناخت‌های مهم انسان (شناخت خدا، اهل بیت (علیهم‌السلام)، معاد و...) و عوامل هیجانی شامل هیجان‌های مهم او (هیجان نسبت به خدا، اهل بیت (علیهم‌السلام) و...) می‌شود. عوامل رفتاری، شامل رفتارهای زمینه‌سازی رفتار ناپه‌نچار (دروغ، ظلم، کسب حرام) می‌شود.

کلیدواژه‌ها: توسل، تغییر رفتار ناپه‌نچار، شناخت، هیجان، رفتار.

^۱. استادیار و مدیر گروه علوم تربیتی و روانشناسی جامعه‌المصطفی (علیه‌السلام) العالمیه نمایندگی خراسان

^۲. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی جامعه‌المصطفی (علیه‌السلام) العالمیه نمایندگی خراسان

بیان مسئله

باتوجه به آیات قرآن کریم و روایات، توسل معنای بسیار وسیعی دارد که واسطه قراردادن هر کار و هر چیزی که باعث نزدیک شدن به پیشگاه مقدس پروردگار شود را شامل می‌شود. در این تحقیق، به مشهورترین مصداق توسل که توسل به پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) است، پرداخته خواهد شد. توسل به اهل بیت (علیهم السلام) نوعی ارتباط قلبی با ایشان است که این ارتباط باعث تأثیرات مثبت در شناخت، هیجان و رفتار انسان می‌شود. این سه ارتباطی درهم تنیده دارند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، (مصباح و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۳۶۳) یعنی هر کدام سبب تغییر یکدیگر می‌شوند. بنابراین توسل می‌تواند در رفتار انسان به شکل مستقیم و با واسطه، در شناخت و هیجان تأثیر گذاشته و سبب تغییر در رفتارهای ناپه‌نجان فردی و اجتماعی انسان شود.

از آنجایی که علت اصلی توجه به توسل، امید و باور است و توسل سبب ایجاد تغییر در شناخت و هیجان انسان می‌شود؛ می‌تواند توسل از جهت مباحث روان‌شناسی نیز مورد توجه قرار بگیرد چرا که امید و باور و بحث شناخت و هیجان از مباحث مهم مطرح شده در تحقیقات حوزه تغییر رفتار محسوب می‌شود.

۱. مفهوم شناسی

الف) توسل

توسل کلمه عربی از ریشه وسل است که به معنای تقرب و نزدیکی به چیزی به سبب وسیله‌ای است. (جوهری ۱۴۰۷ق، ص ۱۸۴۱؛ فراهیدی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۲۹۸؛ ابن منظور، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۷۲۴) در اصطلاح نیز معنای لغوی آن حفظ شده است. توسل یعنی اینکه عبد شیئی را به سوی خداوند مقدم داشته تا اینکه وسیله او باشد در نزد خداوند و به واسطه آن دعایش مستجاب شود و به مطلوبش برسد. (سبحانی، ۱۳۷۹، ص ۵۷۵)

ب) رفتار

مراد از رفتار هر فعالیت اختیاری است که جاندار انجام می‌دهد و با جاندار دیگر یا ابزار اندازه‌گیری قابل مشاهده یا اندازه‌گیری است. (سیف، ۱۳۹۳، ص ۴۳)

ج) تغییر رفتار

تغییر رفتار، حوزه‌ای از روان‌شناسی است که به تحلیل و تغییر رفتار انسانی می‌پردازد. (میلتن برگر، ۱۳۸۸، ص ۱۸) منظور از تحلیل، شناسایی روابط تابعی (علی) بین رویدادهای محیطی و رفتار است، با هدف فهمیدن دلایل انجام رفتار یا تعیین اینکه چرا یک شخص رفتار خاصی را انجام می‌دهد. مراد از تغییر، ابداع و اجرای روش‌هایی است که به فرد کمک می‌کند تا رفتارهای نامطلوبش را تغییر دهد و به جای آنها رفتارهای مطلوب کسب کند. (سیف، ۱۳۹۳، ص ۴۰)

د) بهنجار و نابهنجار

اینکه منظور از رفتار بهنجار و نابهنجار چیست، بستگی به ملاک و معیار ما در مورد بهنجاری دارد. برخی ملاک‌های بهنجاری و نابهنجاری را به معیارهای توصیفی و معیارهای تبیینی تقسیم کرده‌اند. (شجاعی، ۱۳۸۹، ص ۵۷) در ملاک‌های تبیینی به دنبال بهنجاری خود انسان هستند نه رفتار، بر خلاف معیارهای توصیفی که هم شامل انسان می‌شود و هم رفتار. معیارهای توصیفی شامل، معیارهای آماری و غیر آماری می‌شود که غیر آماری خود چهار نوع دارد: ملاک اخلاقی، ملاک همگونی اجتماعی، ملاک قانون، ملاک غیر انطباقی بودن رفتار. ملاکی که شاید بتوان آن را جامع دانست این است که، رفتار خوب و بهنجار، رفتاری است که خوبی آن به وسیله عقل یا شرع قابل شناسایی باشد و رفتار نابهنجار و بد، رفتاری است که مخالف تشخیص عقل و شرع باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۷)

۲. تأثیر توسل بر شناخت‌های انسان

الف) شناخت خدا

انسان هر چقدر خداوند را بیشتر بشناسد، رفتارش بهتر خواهد شد و با انجام رفتارهای نابهنجار، نافرمانی نخواهد کرد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ خَافَهُ وَ مَنْ خَافَ اللَّهَ حَثَّهُ الْخَوْفُ مِنْ اللَّهِ عَلَى الْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ». (نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱۱، ص ۲۲۸) هر کسی خدا را شناخت، از خداوند ترس دارد، و هر کسی از خدا ترسید، ترسش از خدا باعث اطاعت خداوند می‌شود. مراد از شناخت خداوند، شناخت صفات و اسماء الهی است، به همین دلیل در قرآن کریم برای معرفی خداوند صفات و اسماء را به کار برده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰) در میان صفات خداوند، توجه به رازقیت و مالکیت خداوند، انسان را از بسیاری از رفتارهای نابهنجار باز می‌دارد. بسیاری از ظلم‌های و تعدی‌ها به این دلیل است که انسان گمان می‌کند برای تأمین زندگی، همه چیز به خود

او بستگی دارد و رازقیت و مالکیت خداوند را نادیده می‌گیرد. انسانی که با توسل در پی خواسته خود می‌رود، این شناخت در او ایجاد خواهد شد که روزی رسان و مالک اصلی این دنیا خدای متعال است، و هرچقدر توسل تکرار شود، این باور بیشتر در جان انسان رسوخ می‌کند.

ب) شناخت اهل بیت (علیهم‌السلام)

شناخت اهل بیت (علیهم‌السلام) بخصوص امام زمان تأثیری بسیاری بر نحوی رفتار انسان دارد، چرا که بر اساس روایت مشهور من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیه، اگر انسان امام زمان را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا می‌رود. مرگ جاهلی نتیجه زندگی جاهلانه است، زیرا مرگ عصاره زندگی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۱) زندگی که بر اساس جاهلیت باشد، مملو از رفتارهای ناپه‌نجا خواهد بود. توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) علاوه بر اینکه باعث افزایش اعتقاد و باور به ایشان می‌شود، به منزله این است که انسان به اهل بیت (علیهم‌السلام) ملحق شده است. من تمسک بنا لحق (صدوق، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۶۲۷) ملحق شدن به اهل بیت (علیهم‌السلام) و گرفتار رفتارهای ناپه‌نجا بودن با یکدیگر سازگاری ندارند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت توسل و تمسک به ایشان سبب دوری از رفتارهای ناپه‌نجا می‌شود.

ج) شناخت معاد

باور به عالم پس از مرگ و بقای اثر اعمال انسان، هم می‌تواند یک عامل بازدارنده قوی در برابر گناه و خطاکاری باشد و هم یک عامل محرک نیرومند، برای تشویق سرمایه‌گذاری مادی و معنوی در راه خدمت به خلق خدا و نیکی‌ها گردد. (ناصر مکارم، ۱۳۷۶، ص ۵۷) باور به معاد با دیدن آثار گذشتگان در انسان تقویت می‌شود. هنگامی که انسان آثار گذشتگان را می‌بیند، متوجه این می‌شود که روزی او نیز باید جهان را ترک کرده و مهیای سفر آخرت شود. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «در سرزمین و آثار به جا مانده از آنان سیاحت کن و نگاه که چه کردند و چگونه رفتند و به کجا فرود آمدند و در کجا آرامیدند. آنان از دوستان خود جدا شدند و به سرای تنهایی وارد شدند. دیر نیست که تو نیز همانند آنان شوی، پس جایگاه همیشگی خود را آباد کن و آخرت را به دنیا نفروش». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۹۶) یکی از روش‌های توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) رفتن به زیارتگاه‌های ایشان است. زمانی که انسان برای توسل نزد قبور آن‌ها می‌رود، متوجه همین فرمایش حضرت علی (علیه‌السلام) می‌شود که روزی می‌رسد که انسان سفر آخرت را شروع خواهد کرد.

د) شناخت خویشتن

خودشناسی به این معنا است که انسان جایگاه واقعی خود را در عالم هستی درک کند؛ بداند خاکی نیست؛ در او پرتوی از روح الهی هست؛ بداند که در علم و معرفت می‌تواند بر فرشتگان سبقت بگیرد؛ بداند که او مختار و مسئول خویشتن و مسئول افراد دیگر و بهتر کردن جهان است؛ بداند که او امانت‌دار خداوند است. (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۸۴) انسان اگر به این شناخت برسد و بداند جوهر وجود او از عالم ملکوت است، با رفتارهای نابهنجار به خود ظلم نمی‌کند.

توسل به دو شکل می‌تواند به انسان کمک کند تا خود را بشناسد: ۱. کمک به شکل گیری هویت دینی، ۲. ایجاد خودپنداره صحیح.

توسل می‌تواند تأثیر بسزایی در شکل‌گیری هویت دینی داشته باشد، چرا که در تعریف هویت دینی گفته‌اند: «ادراک فرد از هویت و ارزش خود در ارتباط با خدا و جایگاه خویش در جهان». (میلر، ۱۳۹۱، ص ۲۲۷) کسی که برای تغییر رفتار خود توسل می‌کند، در واقع نوع ارتباط خود را با خدا و اسباب الهی به شکل درست درمی‌یابد. به عبارت دیگر، هویت دینی انسان از ارتباط و تعلق او با دین وجود می‌آید. (پورآوند، ۱۳۹۱، ص ۳۰) و بنابر حدیث ثقلین اهل بیت علیهم‌السلام یکی از دو رکن اساسی دین اسلام هستند و توسل ارتباط با یکی از دو رکن دین است.

توسل در شکل‌گیری خودپنداره صحیح نیز می‌تواند مؤثر باشد؛ زیرا یکی از روش‌هایی که باعث ایجاد خودپنداره صحیح فرد از خود می‌شود، انتظار مثبت دیگران از اوست. تحقیقاتی این مطلب را به اثبات رسانده که انتظار مثبت دیگران سبب ایجاد تصور مثبت در افراد می‌شود. (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸) انسان زمانی که توسل می‌کند، متوجه می‌شود که انتظار درست رفتار کردن از او می‌رود. اهل بیت علیهم‌السلام از دوستداران خویش انتظار رفتاری متفاوت دارند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: عمل نیکو از هر کسی خوب است، اما از تو بهتر، به دلیل جایگاهی که نسبت به ما داری و عمل زشت نیز از هر کسی زشت است اما از تو زشت‌تر. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۷، ص ۳۴۹)

۳. تأثیر توسل بر هیجانات انسان

تأثیر هیجان بر رفتار انسان، امری غیر قابل انکار است و برای همه انسان‌ها با تجربه ثابت گردیده که هیجاناتی مثل خشم، غم، ترس و... بر رفتار آن‌ها تأثیرگذار است. تمام هیجانات، در اصل تکانه‌هایی برای عمل کردن هستند. حالات هیجانی، ممکن است موجب سامان‌یافتگی رفتار یا اختلال در آن شود. (شجاعی، ۱۳۸۸، ص ۴۰۹)

الف) هیجان نسبت به خدا

۱. بی توجهی به خدا

یکی از هیجاناتی که انسان نسبت به خدا می‌تواند پیدا کند، بی‌توجهی است که در آموزه‌های دینی از آن به‌عنوان «فراموشی خدا» اشاره شده است. (نجاتی، ۱۳۶۷، ص ۲۹۷) مهم‌ترین عامل برای ایجاد اضطراب و بروز رفتارهایی نابهنجار، همین فراموشی خداوند است. زیرا وقتی شخص به یاد خدا باشد، از رفتارهای نادرست دوری می‌کند. (یوسفی، ۱۳۹۴، ص ۹۹) خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». (حشر آیه ۱۹) عبارت «هُمُ الْفَاسِقُونَ» رابطه میان فراموشی خدا با انحراف از نیکی‌ها را نشان می‌دهد.

بی‌توجهی به خداوند را می‌توان با ذکر و یاد او برطرف کرد. به‌طور قطع انسان نمی‌تواند هم نام خدا را بر زبان جاری کند و هم به او بی‌توجه باشد. توسل به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) مملو از یاد و ذکر خداوند است. برای نمونه فرازی از دعای توسل را ذکر می‌کنیم. تَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ وَاسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ وَاسْتَقْدُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ فَإِنَّكُمْ وَسِيلَتِي إِلَى اللَّهِ وَبِحَبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ أَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ. (قمی، ۱۳۸۸، ص) در این عبارت کوتاه می‌بینیم که بارها یاد خداوند وجود دارد.

۲. خوش‌بینی به خدا

خوش‌بینی به‌عنوان یک هیجان، (آذربایجانی، ۱۴۰۰، ص ۳۳۸) یکی از هیجان‌ات مثبت به خداوند است؛ که در مقابلش، بدبینی و سوءظن قرار دارد. توسل به عنوان یک رفتار، نیازمند شناخت و هیجانانی است. خوش‌بینی یکی از این هیجان‌ات است. کسی که از خداوند حاجتی را می‌خواهد، باید خداوند را موجودی مهربان، یاری‌رسان، حمایت‌کننده، در دسترس و ... بداند. این شناخت‌ها و تصورات مثبت از خداوند، پیش‌نیاز توسل است. به عبارت دیگر، خوش‌بینی نسبت به خداوند، مقدم بر توسل است. اما خود توسل نیاز می‌تواند بر این هیجان تاثیرگذار باشد. زیرا رفتارها بر بینش‌ها و گرایش‌های فرد تاثیر می‌گذارند و آن‌ها را تقویت می‌کنند. زیرا با انجام دادن کار و تکرار آن، به تدریج شناخت و بینش فاعل از فعل و پیامدهایش بیشتر می‌شود و هم به انجام دادن آن عادت می‌کند و گرایش بیشتری به آن پیدا می‌کند. (مصباح یزدی و دیگران، ۱۳۹۰، ۳۶۲) به این ترتیب توسل، به عنوان یک رفتار، می‌تواند بر خوش‌بینی به خداوند موثر باشد.

۳. غرور و تکبر

تأثیر تکبر بر رفتار نابهنجار به‌گواه تاریخ ثابت شده است. می‌توان گفت یکی از صفات مشترک ظالمان تاریخ، تکبر و غرور بوده است. تکبر با شیطان شروع شد، (بقره آیه ۳۴) و با نمرودها و فرعون‌ها ادامه پیدا کرد.

حقیقت توسل خضوع و خشوع است، کسی که توسل می‌کند، شخصی است که برای درخواست حاجتی از خداوند حاضر است در مقابل بنده‌ای از بندگان مقرب الهی فروتنی کند و از او طلب حاجت کند. به این شکل خود را در درگاه حق، حقیر و خاضع می‌سازد. واضح است کسی که روحیه تکبر و غرور در جان او رسوخ کرده باشد، حاضر به توسل نیست. کسانی که در برابر خداوند گردن‌فرازی می‌کنند، به‌طریق اولی در برابر اولیای الهی غرور نشان می‌دهند، در مقابل کسانی که در برابر انسان معصوم و کامل که عبد خدا هستند، خضوع کند، دیر یا زود در برابر خداوند نیز سر تعظیم فرود می‌آورد. در قرآن کریم این روحیه استکبار در منافقین دیده می‌شود. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ. (منافقون آیه ۵) از این آیه به دست می‌آید که نقش و تأثیر توسل در اخلاق انسان چگونه است. از طرفی خود دعا سبب می‌شود، روحیه تکبر از انسان دور شود، چرا که خداوند دعا نکردن را نشانه تکبر بیان می‌کند. وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ. (غافر آیه ۶۰)

ب) هیجان نسبت به اهل بیت (علیهم‌السلام)

شناخت حق و باطل، شرط لازم هدایت و بندگی است، اما شرط کافی نیست. زیرا شناخت تنها نمی‌تواند انگیزه شخص را برانگیزد تا هماهنگ با معلومات درست خود اقدام کند. نمونه آن در مخالفت با پیامبران دیده می‌شود. مخالفان پیامبر ﷺ با یقین به حقانیت دعوت ایشان، نافرمانی می‌کردند. وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا. (نمل آیه ۱۴) پس دانستن علت تام هدایت نیست. زیرا شناخت عقل نظری را شکوفا می‌کند، و هدایت نتیجه عقل عملی است. آن چیزی که عقل عملی را کارآمد می‌کند و انگیزه می‌دهد، محبت است. محبت و شناخت است که سبب هدایت انسان می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۱۰۰) به همین دلیل برای آنکه انسان بتواند از هدایت اهل بیت (علیهم‌السلام) استفاده کند، هیجان مهم نسبت به ایشان، محبت و دوست داشتن است. هنگامی که انسان به اهل بیت (علیهم‌السلام) متوسل می‌شود و حاجت خود را می‌گیرد، این امر سبب ایجاد محبت در دل می‌شود. در روایات یکی از اسباب ایجاد محبت، نیکی و احسان بیان شده است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «بِالْإِحْسَانِ تَمْلِكُ الْقُلُوبُ» با نیکی کردن قلب‌ها تصرف می‌شود.

(تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۰۲) «الْإِنْسَانُ عَبْدٌ لِإِحْسَانٍ» انسان بنده نیکی کردن است. (همان ص ۲۹)

ج) هیجان نسبت به خود

۱. شادی

این هیجان جز شش هیجان اصلی انسان بشمار می‌رود و سبب بروز هیجانات مثبت بسیاری می‌شود. (آذربایجانی، ۱۴۰۰، ص ۳۳۸) بررسی‌های اسلامی نشان می‌دهند که شادی و سرور یکی از دو رکن سعادت است. در ماهیت سعادت دو مفهوم اساسی وجود دارد؛ خیر و سرور. بنابراین هیجانات مثبت در انسان برای رسیدن به سعادت است. در برخی روایات کارکرد روانی شادی بیان شده است. با توجه به روایات اسلامی شادی موجب گشایش روانی، حالتی از برانگیختگی، هیجان، سبک‌بالی و سرزندگی روحی و روانی می‌شود. (پسندیده، ۱۳۹۶، ص ۱۲) عامل اصلی تحقق شادی لذت است. لذت، هم شامل لذت مادی می‌شود و هم لذت معنوی؛ چرا که انسان مرکب از بُعد مادی و معنوی است. (همو، ۱۳۹۲، ص ۴۶۵) اصل و محور اصلی لذت معنوی، خداوند است، به همین دلیل، انس، دوستی، یاد، باور و مناجات با خدا به عنوان لذت‌های معنوی بیان شده است. (همان، ص ۴۹۰ تا ۴۹۹) لذت معنوی که در ارتباط با خداوند وجود دارد، در ارتباط با حجت و جانشین او نیز وجود دارد. به همین دلیل در اذن ورود به حرم‌های اهل‌بیت (علیهم‌السلام) عبارت «بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۱۶۰) را داریم. از طرفی به دلیل طینت مشترکی که بین اهل ایمان و ائمه اطهار؛ وجود دارد (المومن.... من طینتا اهل البیت) (همان، ج ۶۴، ص ۷۷)، حالات معصومان در حالات اهل ایمان اثر می‌گذارد. از این رو سرور و شادی آنان موجب مسرور شدن اهل ایمان می‌شود. (پسندیده، ۱۳۹۶، ص ۳۳) توسل به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) قطعاً سبب شادی ایشان می‌شود، و این شادی در متوسل نیز موثر خواهد بود.

۲. آرامش

یکی از هیجانات انسان آرامش است، (آذربایجانی، ۱۴۰۰، ص ۳۳۸) که از نیازهای حیاتی برای بشر به شمار می‌رود. اگر آرامش را از زندگی او حذف کنیم، حیات انسانی از تعادل خارج شده و زندگی غیر ممکن می‌شود. (فعالی، ۱۳۹۶، ص ۵۹) دوست داشتن اهل بیت (علیهم‌السلام) اصالتاً و مومنان بتبع، آنچنان اهمیت دارد، که اگر نباشد، سبب می‌شود آرامشی که از نتایج ذکر خداوند بیان شده است، نصیب انسان نشود. حضرت علی (علیهم‌السلام) می‌فرماید: «هنگامی که آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» نازل شد، رسول خدا فرمود:

این آیه درباره کسانی است که خدا و پیامبرش را دوست بدارد و اهل بیت (علیهم السلام) مرا صادقانه و نه به دروغ، دوست داشته باشد و مومنان را در پیش رو و پشت سر آنان دوست بدارد. آگاه باشید که با یاد خدا همدیگر را دوست می‌دارند». (مغربی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۷)

۳. امید به تغییر

انسان اگر امیدی به تغییر خویش نداشته باشد، هیچ‌گاه تلاشی برای کار گذاشتن رفتارهای ناپه‌نجان خویش نمی‌کند. انسانی که برای خواسته‌ی خود روی به خدا می‌آورد و برای رسیدن به آن، مقربان درگاه الهی را واسطه قرار می‌دهد. احساسی بالاتر از امید به تغییر را دارد، چرا که باور دارد می‌تواند تغییر کند و در این راه تغییر، خداوند وسیله‌هایی را قرار داده است که زودتر به منزل مقصود برسد. این ایمان و باور، ناامیدی را از وجود انسان می‌زداید.

انسان زمانی که ایمانش پرورش پیدا کند، با اینکه می‌داند در مسیر زندگی با موانعی دست به‌گریبان می‌شود. اما بعد پرورش ایمان، هنگام برخورد با تنگناها و موانع، شیوه‌ای کاملاً متفاوت در پیش می‌گیرد، شیوه‌ای که بر اساس ایمان است و نه برخاسته از یاس و ناامیدی. (دایر، ۱۳۸۰، ص ۱۷۳)

د) هیجان نسبت به معاد

هیجانی که نسبت به معاد، در انسان وجود داشته باشد، سبب تغییر رفتارش می‌شود، توجه به معاد است. در قرآن کریم بی‌توجهی و غفلت از معاد یکی از صفات اصلی کافران بیان شده است. وَ الَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا مُعْرِضُونَ (احقاف آیه ۳) پس رابطه مستقیم بین رفتار ناپه‌نجان و عدم توجه به معاد وجود دارد.

توسل به اهل بیت (علیهم السلام) به دو صورت می‌تواند باعث توجه به قیامت و معاد شود.

یک) دوری از زندگی مادی: یکی از عللی که سبب می‌شود انسان از آخرت غافل شود، مشغولیت زیاد به برطرف کردن نیازهای مادی است. توسل یک رفتاری است که سبب می‌شود انسان برای ساعتی از امور مادی فاصله بگیرد و با منابع معنویت در ارتباط باشد. توسل اینگونه زمینه توجه به معاد فراهم می‌شود.

دو) در دعاهایی که برای توسل به اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است، توجه به معاد همیشه وجود داشته است. در توسل به امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌خوانیم: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَّا أَعْتَنَتَنِي بِهِ عَلِيٌّ أَمْرَ أَخْرَتِي بِطَاعَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ. خدا یا از تو درخواست می‌کنم به حق ولی خود، حسن ابن علی، که به من کمک کنی در طاعت و جلب رضایت تو نسبت به آخرتم. (قمی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۱) بنابراین توسل با یادآوری آخرت، سبب توجه به آن می‌شود.

۴. تاثیر توسل بر رفتارهای زمینه ساز رفتار نابهنجار

الف) دروغ

یکی از رفتارهایی که سبب شروع رفتارهای نابهنجار در انسان می‌شود. کذب و دروغ است. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹، ص ۲۶۳) اثری دیگر که دروغ دارد از بین رفتن انسانیت و در ادامه از دست دادن حیا و بی‌باکی در رفتار است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «نامردترین مردم، دروغگو است». (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۰)

در روایت دیگری می‌فرمایند: «از دروغ بپرهیزید، چرا که دروغ سبب پرده‌داری می‌شود و پرده‌داری به دوزخ می‌رساند.» (نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۸۶) انسان اگر جوانمردی نداشته باشد و همچنین بی‌باک باشد، دیگری ترسی از ارتکاب معاصی ندارد.

دروغ‌گویی عللی دارد که توسل با تأثیر آن علل، سبب پرهیز از دروغ‌گویی می‌شود.

- ترس از ضرر و جلب منفعت: گاهی انسان مشاهده می‌کند که ضرری متوجه او است و منفعت متوجه دیگری است. برای اینکه ضرر را از خود دور کند و متوجه دیگری سازد و یا اینکه منفعتی را که متوجه دیگری است، به سمت خود جلب کند، انگیزه قوی برای دروغ گفتن در او ایجاد می‌شود. (امین، ۱۳۷۶، ص ۸۲) انسانی که باور داشته باشد، خیر و بدی به دست خداوند است، هیچ‌گاه به این انگیزه دروغ نخواهد گفت. توسل باعث تقویت این باور می‌شود و به این شکل مانع دروغ‌گویی انسان می‌شود.

- ضعف معنویت: ناسازگاری بین خلق و خوی دروغ با بعد معنوی انسان وجود دارد. کسی که می‌گوید: «بعد معنوی من زنده است و در درونم وابستگی معنوی دارم». هیچ‌گاه مبتلا به خوی کذب نمی‌شود. (طهرانی، ۱۳۹۸، ص ۲۵) امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لَيْسَ الْكَذِبُ مِنْ خَلَائِقِ الْإِسْلَامِ» دروغ‌گویی از خلق و خوی اسلام نیست. همچنین می‌فرمایند: «جَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبُ الْإِيمَانِ» از دروغ دوری کنید، زیرا ایمان را دور می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۵۶) بنابراین با تقویت معنویت و ایمان، می‌توان از دروغ جلوگیری کرد. رابطه با اهل بیت علیهم السلام بالاترین نقش را در ارتقای معنویت و ایمان انسان دارد و می‌تواند با افزایش معنویت از این رفتار نابهنجار جلوگیری کند.

ب) ظلم

ظلم یکی از علل بروز رفتارهای نابهنجار است. منظور در اینجا، ظلم رفتاری در حق دیگران است. با دقت در آثار ظلم می‌توان فهمید که ظلم چگونه انسان را ورطه گناهان و رفتارهای نابهنجار می‌اندازد. یکی از آثار ظلم این است که روح آدمی را در دنیا نابود می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالظُّلْمَ فَإِنَّهُ يُخَرِّبُ قُلُوبَكُمْ». بپرهیزید از ظلم کردن که روح شما رو ویران می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۳۵۰) هنگامی انسان ظلم می‌کند، حجابی بر دلش می‌افتد و مهری بر قلب زده می‌شود که قدرت تشخیص حق از باطل را از دست می‌دهد. (مکارم و دیگران، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۶۳) به همین سبب ممکن است رفتار نابهنجار خود را، بهنجار تصور کند.

یکی از راه‌هایی که برای درمان ظلم، بیان شده است و توسل می‌تواند آن را اصلاح باشد، اصلاح ارتباطها و پیوندهاست. اگر انسان روابط خود را به‌گونه‌ای تنظیم کند که نیروهای اطراف، به نفع او، در جهت هدف درست او باشند، در این صورت به آسانی می‌تواند از ظلم و عوامل و اسباب آن دوری کند. برای اصلاح روابط، حداقل باید سه گام برداشته شود:

۱. انتخاب دوست خوب.
۲. ارتباط صمیمی و پیوسته با اماکن و اجتماعات مذهبی.
۳. تنظیم محیط زندگی به نحوه‌ای که ذهن را به خدا و معنویت و تعالی انسان معطوف کند. (تهرانی، ۱۳۹۲، ج ۱۴، ص ۱۵۲)

ج) کسب حرام

مال حرام یعنی مالی که بر خلاف حکم عقل و دستور خداوند به‌دست آمده باشد و شارع مقدس از کسب و تصرف آن منع کرده باشد. برای تأیید تأثیر مال حرام بر رفتار انسان همین مقدار کفایت می‌کند که بدانیم، امام حسین علیه السلام هنگامی که برای لشکر عمر بن سعد، صحبت می‌کردند و آن‌ها به سخنان حضرت گوش نمی‌دادند، حضرت چنین فرمودند: «وای بر شما چرا ساکت نمی‌شوید تا سخنان مرا گوش کنید؟ من شما را به راه راست می‌خوانم، هر کس از من پیروی کند، به راه راست هدایت می‌شود و هر کس نافرمانی کند، هلاک می‌شود. (اما) شما از فرمان من سرپیچی می‌کنید و به سخنان من گوش نمی‌دهید، چرا که جایزه‌هایی که (برای جنگیدن با من) گرفته‌اید، تنها از راه حرام بوده و شکم‌هایتان از حرام پر شده است. وای بر شما آیا ساکت نمی‌شوید یا به سخنانم گوش نمی‌دهید». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۸)

توسل به سه صورت می‌تواند در دور کردن انسان از مال حرام مؤثر باشد؛

۱. اعتقاد به رزاقیت خدا: در بحث شناخت خداوند بیان شد که باور به اینکه خداوند است که روزی انسان را تضمین کرده است، سبب می‌شود انسان، از تجاوز به حقوق دیگران خودداری کند. با توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) شناخت خدا فراهم می‌شود.
۲. توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) برای کسب روزی: یکی از انواع توسل اهل بیت (علیهم‌السلام) توسل به ایشان برای رزق و روزی است. شیخ عباسی قمی می‌گوید: «علما روزها را به دوازده ساعت بخش کرده‌اند و هر ساعت را به امامی نسبت داده‌اند. ساعت نهم روزها متعلق به حضرت جواد (علیهم‌السلام) است و توسل به آن حضرت در این ساعت برای وسعت رزق نافع است و شایسته است که در توسل به آن حضرت این دعا را بخوانند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَّا جُدْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ وَسْعِكَ وَ وَسَّعْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ وَ أَغْنَيْتَنِي عَمَّنْ سِوَاكَ وَ جَعَلْتَ حَاجَتِي إِلَيْكَ وَ قَضَاهَا عَلَيَّكَ إِنَّكَ لِمَا تَشَاءُ قَدِيرٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱، ص ۳۴) بعضی گفته‌اند، این دعا بعد هر نماز به جهت اداء دین مجرب است». (قمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۹۰)

۳. هر اندازه دوستی اهل بیت (علیهم‌السلام) در دل انسان افزایش پیدا کند، به همان اندازه انسان از مال حرام دور می‌شود. در روایتی امام علی (علیهم‌السلام) می‌فرماید: «لَيْسَ بَوْلِي لِي مِنْ أَكْلِ مَالِ مُؤْمِنٍ حَرَامًا». (ورام بن ابی‌فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۶) کسی که مال مومنی را به حرام به دست آورد، دستاردار من نیست. می‌توان این نتیجه را گرفت که مال حرام با دوستی ائمه (علیهم‌السلام) قابل جمع نیست و هر چه دوستی آنها بیشتر شود، انسان بیشتر از مال حرام دور می‌شود. ارتباط با امامان معصوم (علیهم‌السلام) و توسل به ایشان هم سبب ایجاد محبت می‌شود.

نتیجه

- پژوهش حاضر در پاسخ به این سؤال است که توسل چه تأثیری بر عوامل شناختی، رفتاری، هیجانی رفتار نابهنجار فردی و اجتماعی دارد.
- در پاسخ به این سؤال نتایج ذیل به دست آمد:
۱. توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) با تأثیر بر مهم‌ترین شناخت‌های انسان، نقش بسیار مهمی در تغییر رفتار دارد. توسل باعث شناخت صفت رازقیت و مالکیت خداوند، تقویت بارو اهل بیت (علیهم‌السلام) و معاد می‌شود. در بحث خودشناسی نیز توسل با کمک به شکل‌گیری هویت دینی و خودپنداره صحیح، سبب خودشناسی می‌شود. با دقت در رفتارهای نابهنجار به این نتیجه می‌رسیم که بسیاری از رفتارهای نابهنجار، به نبود یکی از این شناخت‌ها برمی‌گردد.

۲. توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) باعث از بین رفتن هیجاناتی منفی نسبت به خداوند می‌شود؛ (تکبر، بی‌توجهی، سوءظن) و نسبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) سبب ایجاد محبت می‌شود، که این محبت هر اندازه بیشتر شود، موجب ترک رفتارهای ناپه‌نجانار می‌شود. از طرفی توسل باعث توجه به معاد و به وجود آمدن آرامش، شادی، امید به تغییر در انسان می‌شود.

۳. توسل با تاثیرگذاری بر رفتارهای مثل، دروغ، ظلم و کسب حرام سبب جلوگیری از رفتارهای ناپه‌نجانار بسیاری می‌شود.

منابع

- قرآن کریم
- آذربایجانی مسعود و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
- ----، فلسفه علم روان‌شناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰.
- ابن منظور، لسان العرب، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- امین محمد، آفات زبان، قم، طیب، ۱۳۷۶.
- پسندیده عباس، الگوی اسلامی شادکامی، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۲.
- ----، چه کنم که شاد شوم، مشهد، به نشر، ۱۳۹۶.
- پورآوند، طیب، بحران هویت انسان از منظر قرآن کریم، قم، سلسله، ۱۳۹۱.
- تمیمی آمدی عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- تهرانی مجتبی، اخلاق الهی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
- جوادی آملی عبدالله، امام مهدی موجود موعود، قم، اسراء، ۱۳۸۸.
- ----، ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره)، قم، اسراء، ۱۳۸۱.
- جوهری فارابی اسماعیل ابن حماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
- دایر وین، وجود متعالی انسان، ترجمه محمدرضا آل یاسین، تهران، هامون، ۱۳۸۰.
- سبحانی جعفر، فی ضلال التوحید، تهران، مشعر، ۱۳۷۹.
- سیف علی اکبر، تغییر رفتار و رفتار درمانی، تهران، دوران، ۱۳۹۳.
- شجاعی محمد صادق، نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹.

- -----، درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸.
- صدوق، محمد بن علی، الخصال، ترجمه یعقوب جعفری، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۲.
- -----، الامالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
- طهرانی، آقا مجتبی، آفات زبان (دروغ)، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی، ۱۳۹۸.
- فراهیدی خلیل احمد، العین، قم، اسوه، ۱۳۸۳.
- فعالی محمد تقی، آرامش، تهران، دارالصادقین، ۱۳۹۶.
- قمی شیخ عباس، منتهی الآمال، قم، دلیل، ۱۳۷۹.
- -----، مفاتیح الجنان، مشهد، به نشر، ۱۳۸۸.
- مجلسی محمد باقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- مصباح یزدی محمد تقی، معارف قرآن، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۱.
- ----- و دیگران، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، قم، مدرسه، ۱۳۹۰.
- مغربی نعمان ابن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.
- مکارم ناصر، معاد و جهان پس از مرگ، قم، سرور، ۱۳۷۶.
- ----- و دیگران، پیام قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
- میلتن برگر ریموند، شیوه‌های تغییر رفتار، ترجمه علی فقیهی آشتیانی و هادی عظیمی آشتیانی، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
- میلر جری، پیوند معنویت به مشاوره و روان‌درمانی، ترجمه ابوالقاسم خوش کنش و دیگران، تهران، آوای نور، ۱۳۹۴.
- نجاتی محمد عثمان، قرآن و روان‌شناسی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۷.
- نوری میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۷.
- ورام ابن ابی فارس، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ق.
- یوسفی مصری زهرا، بیماری‌های روحی (اضطراب، وسواس، افسردگی، هراس) و راه‌های درمان آن‌ها، قم، میراث ماندگار، ۱۳۹۴.